

بررسی و تحلیل نقش عمده و اثرگذار دین در تضمین سلامت فردی در زندگی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۲۸)

مجتبی امیری

فوق لیسانس علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد زنجان

چکیده

دین شناسی و آگاهی از دستورها و قوانین دینی از ضرورت و حساسیت ویژه ای برخوردار است، زیرا مهم ترین آرمان یک انسان حقیقت جو، سعادت و رستگاری حقیقی و زندگی جاودانی است که جز در پرتو دین و دین داری حاصل نمی شود. دین، ماندگارترین و معتبرترین میراث فرهنگی ما است که از سوی پیامبران الهی و در رأس آنان پیامبر خاتم (ص) و جانشینان به حق ایشان و با جانفشانی های فراوان آن بزرگواران به دست ما رسیده است. از این رو پاسداری و حفظ این میراث عظیم بر ما واجب است و این مهم، جز از راه آشنایی لازم با دین و آموزه های دینی و راه های مقابله با متجاوزان به حریم دین میسر نمی شود. آموزه های دین چونان چشمه ساری است که رافع نیازها و تشنگی های متعالی آدمی است. نیازهای عمده ی انسان به سه دسته ی کلی تقسیم می شوند: ۱. نیازهای مادی مانند تفریح، آسایش روانی و نیاز جنسی؛ ۲. نیازهای متعالی روحی به سان شناخت خود، معنا دادن به زندگی، تعیین هدف و کسب تعالی و کمال نفس؛ ۳. نیازهای اجتماعی. آدمی به اقتضای طبیعت و فطرت خویش در پی برآوردن هر چه بهتر این نیازها هستند. معرفی دین به آنان به عنوان ابزاری است که نه تنها می تواند فرد و جامعه را در ابعاد مادی مدد رساند و با راه کارهای پیشنهادی خود از افراط و تفریط برهاند، قادر است که ابعاد متعالی آدمی را نیز شکوفا سازد.

واژگان کلیدی: دین، آزادی های فردی، دین شناسی، سلامت فردی، قوانین دینی، دینداری

بخش اول: مفهوم دین و کاربرد قرآنی آن

واژه‌ی دین در لغت کاربردهای مختلفی دارد. برخی از کاربردهای آن که در فرهنگ های لغت عربی ذکر شده است عبارتند از: ملت و کیش و آیین، جزا و پاداش و مجازات، حساب و بررسی، اطاعت و انقیاد، چیرگی و برتری، تدبیر امور، اعتقاد به قلب و اقرار به زبان و عمل به جوارح، اسم برای تمام آن چه که بدان پرستش خدا کرده شود.^۱ در کتاب المنجد دین چنین معنا شده است:

تقوا و پرهیزگاری، سیرت و طریقه، عادت و شان، سلطنت و زمامداری و فرماندهی، قضاوت، معصومیت و طاعت. اما به لحاظ اصطلاحی شاید نتوان برای دین تعریفی ارائه داد که همگان بر آن متفق القول باشند، زیرا نگاه های متنوع و متفاوتی به واژه دین شده است. در اصطلاح مذهبی، دین مجموعه اعتقادات و باورهای فکری و عملی حاصل از آن را گویند. چنانکه علامه طباطبایی می فرماید: «دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارف عملی را به دنبال دارد و جامع همه ی آن معارف یک کلمه است و آن عبارت است از اعتقادات.»^۲ برخی بزرگان، دین را مجموعه ی عقاید و اخلاق و قوانین و مقرراتی دانسته اند که برای اداره ی امور جامعه ی انسانی و پرورش انسان ها می باشد.^۳ در تعریف مشابه و متداول دیگری، دین را برابر با اعتقاد به آفریننده ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید دانسته اند.^۴ بر اساس این تعاریف، دین مجموعه ای است از اعتقادات و دستورات عملی، اعتقادات آن درباره ی آفریننده ی جهان و امور مربوط به آن مثل ویژگی های آفریننده و دستورالعمل

۱. راغب، اصفهانی مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۲۸۰.

۲. معلوف، المنجد، ص ۳۱۸.

۳. طباطبایی، ترجمه ی تفسیرالمیزان، ج ۲، ص ۵۲۳.

۴. جوادی آملی، شریعت در آینه ی معرف، ص ۹۴.

۵. مصباح یزدی، آموزش عقاید، ج ۱۱، ص ۲۸.

های آن هم لوازم عملی آن اعتقادات است که ممکن است دستورات فقهی، حقوقی، اجتماعی اخلاقی، عرفانی و سیاسی باشد.^۱

بخش دوم: موارد کاربرد دین در قرآن

دین یکی از محوری ترین مباحث در قرآن کریم است و از آن روی که این کتاب اصلی ترین و عمده ترین متن مورد اعتماد دین اسلام است، جایگاه ویژه در آن دارد. واژه ی دین در قرآن کریم در معانی زیر به کار رفته است:

۱. مکافات و جزا: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»^۲ «مالک روز جزاست»
۲. تسلیم و انقیاد: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^۳ «در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است.»
۳. توحید یگانه پرستی: «قُلِ اللَّهُ أَعْبَدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي فَأَعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ»^۴
«بگو: «خدا را می پرستم در حالی که دینم را برای او بی آرایش می گردانم. پس هر چه را غیر از او می خواهید، پرستید»
۴. هر گونه پرستش (خواه پرستش خدای یکتا یا پرستش غیر خدا): «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ»^۵
«دین شما برای خودتان، و دین من برای خودم»
۵. هر گونه قانون و دستورالعمل زندگی: «مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ»^۶

۱. بهشتی مهر، نیاز به دین از دیدگاه شهید مطهری، مجله معرفت ۱۱۳، سال پانزدهم، شماره ی دوم.

۲. الحمد / ۴.

۳. آل عمران / ۱۹.

۴. الزمر / ۱۵، ۱۴.

۵. الکافرون / ۶.

۶. یوسف / ۷۶.

«او در آیین پادشاه نمی توانست برادرش را بازداشت کند»

۶. احکام و قوانین اسلامی: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»^۱

«پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند»

در بیش از صدوسی آیه در قرآن، موضوعات مربوط به دین آمده که بخش عمده‌ی ماهیت و حقیقت دین اسلام را تشکیل می‌دهد و ما مهم‌ترین مباحث را در این جا یاد آور می‌شویم.

الف) دین در نزد خدا: در آیات بسیاری از قرآن کریم به دین راستین و دین مورد رضایت خدا تصریح شده است، چنان چه می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^۲

«در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است.»

چنان که ملاحظه می‌شود خدا برای نوعی از دین که اسلام است رسمیت قائل می‌شود و بر این حقیقت در آیات دیگری تأکید می‌کند.

ب) عدم اکراه در دین: از نظرگاه اسلامی، دینی معقول و پذیرفته است که از روی رغبت و دانایی و شناخت پذیرفته شده باشد نه از روی اجبار و اکراه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»^۳ چنان که به این حقیقت حدود پنج بار در قرآن کریم تصریح شده است و خداوند متعال می‌فرماید:

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»^۴

۷. التوبه / ۱۲۲.

۱. آل عمران / ۱۹.

۲. البقره / ۲۵۶.

۳. یونس / ۹۹.

«و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان می‌آوردند. پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگردند؟»

چنان که ملاحظه می‌شود خداوند هیچ گونه اکراه و اجباری را در پذیرش دین به رسمیت نمی‌شناسد و برای چنین پذیرشی رسمیت و ارزشی قائل نیست، چنان چه در آیه ای دیگر بر این حقیقت تأکید می‌کند و می‌فرماید:

«وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ»^۱

«و بگو: «حق از پروردگارتان [رسیده] است. پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند.»

ج) دعوت به دین اسلام: در آیات بسیاری مردم به پذیرش دین اسلام به عنوان دین بر حق و برتر دعوت شده اند چنان چه می‌فرماید:

«وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۲

«و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است.»

د) بیان حقیقت اسلام: در بیش از شصت آیه، حقیقت دین اسلام و دین مورد دعوت قرآن کریم بیان شده است و ویژگی ها و اوصاف مؤمنان راستین و معتقد به اسلام به تفصیل آمده است.

۴. الکهف / ۲۹.

۱. آل عمران / ۸۵.

«وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ، وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ»^۱

«و چه کسی - جز آنکه به سبک مغزی گراید - از آیین ابراهیم روی برمی تابد؟ و ما او را در این دنیا برگزیدیم و البته در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود. هنگامی که پروردگارش به او فرمود: تسلیم شو، گفت: به پروردگار جهانیان تسلیم شدم.»

و ابراهیم و یعقوب، پسران خود را به همان [آیین] سفارش کردند [و هر دو در وصیتشان چنین گفتند:] «ای پسران من، خداوند برای شما این دین را برگزید پس، البته نباید جز مسلمان بمیرید.»

ه) اخلاص در دین: از ویژگی های اساسی دین مورد قبول خداوند، اخلاص در دین است؛ چنان چه به این حقیقت در آیات بسیاری تصریح شده و خداوند برای راستی و اخلاص مؤمنان در پذیرش دین و پس از پذیرش آن اهمیت ویژه ای قائل است. چنان که می فرماید: «إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ»^۲

«ما [این] کتاب را به حق به سوی تو فرود آوردیم، پس خدا را - در حالی که اعتقاد [خود] را برای او خالص کننده‌ای - عبادت کن.»

بخش سوم: ضرورت نیاز انسان به دین

انسان به صورت مستقل توانایی آن را ندارد که بتواند به کمال مطلوب و سعادت واقعی خویش دست یابد زیرا ابزارهای شناخت او محدودتر از آن هستند که بتواند او را در شناخت راه و برنامه ای که او را به سعادت برساند کمک کنند. از این رو، لازم است که برنامه ای باشد که

۲. البقره / ۱۳۰، ۱۳۲.

۳. الزمر / ۲.

انسان ها را در جهت دادن به زندگی و حرکت تکاملی یاری دهند تا بتوانند در هر شرایط وظیفه ی خود را بشناسند و نیروهایشان را در راه رسیدن به هدف مطلوب به کار بگیرند.

بند اول: هدفمندی آفرینش انسان

هدف از آفرینش انسان این است که با انجام دادن افعال اختیاری مسیر تکامل خود را به سوی کمال نهایی پیماید، کمالی که جز از مجرای اختیار و انتخاب به دست نمی آید. به دیگر سخن: انسان برای این آفریده شده که با عبادت و اطلاعات خدای متعال شایستگی دریافت رحمت هایی را پیدا کند که ویژه ی انسان های کامل است. اراده ی حکیمانه ی خداوند اصالتاً به کمال و سعادت انسان متعلق است. اما از آن جا که این کمال و سعادت جز از راه انجام دادن افعال اختیاری حاصل نمی شود مسیر زندگی بشر را دو راهه و دو سویه قرار داده تا زمینه ی انتخاب و گزینش برایش فراهم شود. و طبعاً یک راه آن هم به سوی شقاوت و عذاب خواهد بود که بالتبع مورد اراده ی الهی واقع می شود. اختیار و انتخاب آگاهانه علاوه بر قدرت بر انجام کار و فراهم شدن زمینه های بیرونی برای انجام کارهای گوناگون و میل و کشش درونی به سوی آن ها نیاز به شناخت صحیح نسبت به کارهای خوب و بد و راه های شایسته و ناشایسته دارد و در صورتی انسان می تواند راه تکامل خویش را انتخاب کند هم هدف و هم راه رسیدن به آن را بشناسد. پس مقتضای حکمت الهی این است که ابزار و وسایل لازم برای تحصیل چنین شناخت هایی را در اختیار بشر قرار دهد و گرنه هدف آفرینی که رسیدن به کمال انسان است محقق نشده که این کاری عبث و بیهوده تلقی می شود و بر خلاف حکمت الهی است.^۱

چنان که در قرآن آمده: أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ.^۲

«آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی شوید؟»

۱. مصباح یزدی، آموزش عقاید، صص ۱۷۷، ۱۷۸.

۲. المومنون / ۱۱۵.

علامه طباطبایی ضرورت وجود دین برای بشر را بر اساس دو اصل هدایت عمومی و فطرت بشر تقریر و تبیین کرده است. به مقتضای اصل هدایت عمومی خداوند هر موجودی را متناسب با ویژگی های آفرینشی او هدایت کرده است. مطالعه ی نظام حاکم بر زندگی موجودات مختلف جهان طبیعت این حقیقت را به روشنی آشکار می سازد. هر پدیده ای در زندگی خود سیر ویژه ای را با نظامی خاص طی می کند به گونه ای که مراحل پیشین مقدمه ی مراحل بعدی می باشد چنانچه مراحل بعدی نتایج قبلی به شمار می رود و آخرین مرحله از آغاز مورد توجه بوده و همه ی مراحل قبلی در آن جهت قرار دارند. انسان نیز از این هدایت عمومی و تکوینی برخوردار است. با این تفاوت که دارای قوه ی تعقل و حیات عقلایی است. بدین جهت به زندگی اجتماعی و مبتنی بر قانونی عالمانه و عادلانه نیاز دارد. قانونی که با شرایط و ویژگی های تکوینی هماهنگ باشد. مقتضای ربوبیت و حکمت خداوند این است که از طریقی این هدایت بشری را برآورده سازد و آن راه همان هدایت وحیانی است که توسط پیامبران و در قالب شریعت های آسمانی در اختیار بشر قرار داده شده است.^۱

بند دوم: نارسایی دانش بشری

شناخت عادی و متعارف انسان ها که از همکاری حس و عقل به دست می آید هر چند نقش مهمی در تأمین نیازمندی های زندگی ایفا می کند، اما برای بازشناختن راه کمال و سعادت حقیقی در همه ی ابعاد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی کافی نیست. زیرا انسان نمی تواند با استفاده از خرد و دانش خود قانون جامع و کامل مورد نیاز خود را تدوین کند چون آدمی به رازهای سعادت همه جانبه ی روحی و عادی آگاهی کامل ندارد و مجهولات او بسیار است. هیچ گاه نمی تواند برنامه هایی را برای سعادت مندی در زندگی ارائه دهد که پاسخ گوی تمام نیازهایش باشد. اشکال دیگر این که اگر آن چه را که عقل دریافته و برنامه ها و ایدئولوژی هایی که ارائه می دهد به فرض صحت کامل داشته باشد ضامن

۱. طباطبایی، شیعه در اسلام، صص ۸۴، ۸۰ با تلخیص و تصرف.

۲. مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۱۷۸.

اجرایی برای آن‌ها وجود ندارد، زیرا در بسیاری موارد آن‌چه را که خود قبول دارد بدان پای بند نیست. مسئله‌ی بعدی وجود زورمندان و طاغوتیان است که اجازه نمی‌دهند حق از باطل تمیز داده شود پس در برنامه‌ها و ایدئولوژی‌های صحیح بشر خلل وارد می‌سازند. اما محدودیت عقل به معنای نفی ارج و اعتبار آن نیست. تنها در قیاس با نیازهای گسترده‌ی آدمی است که سخن از محدودیت عقل می‌رود. چنان‌چه وقتی سخن از ناکافی بودن حس می‌رود به معنی انکار نقش آن در دستگاه معرفتی انسان نیست کیست که نداند خرد و عقل بدون حس نمی‌تواند ارمانی درخور داشته باشد و البته حس نیز بدون عقل کاری از پیش نمی‌برد. ماجرای عقل و وحی نیز چنین است. خرد در پرتو وحی مشتعل می‌شود و با نشأت‌گیری آن گام در وادی ناشناخته‌ها می‌گذارد اما وحی نیز به اشارت عقل است که اقبال می‌یابد و در خانه‌ی دل خردورزان است که درخت وحی به بار می‌نشیند.

بخش چهارم: نقش عمده دین در تضمین سلامت فردی و اجتماعی

بند اول: دین و زندگی فردی

از دیدگاه شهید مطهری، دین در زندگی فردی انسان دو نقش عمده دارد، اول بسط شخصیت او و دوم دور کردن او از خودخواهی است. منظور از بسط شخصیت، گسترش ابعاد وجودی انسان و دنیای او خصوصاً نسبت به عالم ماورای ماده و حس و نمایاندن حقایق سراپرده‌ی وجود است. نتیجه‌ی این بسط شخصیت خارج کردن خودخواهی و خودپرستی از وجود انسان است که باعث می‌شود قلب او کانون محبت و ایمان و خداخواهی شود.^۱

بند دوم: رفع نیازهای فطری

آموزه‌های دین چونان چشمه‌ساری است که رافع نیازها و تشنگی‌های متعالی آدمی است. نیازهای عمده‌ی انسان به سه دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند: ۱. نیازهای مادی مانند تفریح،

۲. قربانی، درآمدی بر اندیشه‌ی دینی سیاسی شهید مطهری، ص ۱۰۷.

آسایش روانی و نیاز جنسی؛ ۲. نیازهای متعالی روحی به سان شناخت خود، معنا دادن به زندگی، تعیین هدف و کسب تعالی و کمال نفس؛ ۳. نیازهای اجتماعی. آدمی به اقتضای طبیعت و فطرت خویش در پی برآوردن هر چه بهتر این نیازها هستند. معرفی دین به آنان به عنوان ابزاری است که نه تنها می تواند فرد و جامعه را در ابعاد مادی مدد رساند و با راه کارهای پیشنهادی خود از افراط و تفریط برهاند، قادر است که ابعاد متعالی آدمی را نیز شکوفا سازد. بدین معنا که شناخت و عمل به دین، انسان را در ارضای نیازها و به کارگیری سرمایه های خویش از تندروی و کندروی باز می دارد. به فرموده ی امام علی (علیه السلام) در توصیف سلامت دین عترت پیامبر (ص)، ما تکیه گاه میانه ایم، عقب ماندگان به ما می رسند و پیش تاخنگان به ما بازمی گردند.^۱

بند سوم: سلامت نفس و تکامل اخلاق

نقش عمل به آموزه های دینی در کسب سلامت نفس جایگاه والایی دارد. همه خویشان را دوست دارند، از گزند آن می هراسند و مشتاقند که راه کارهای کسب کمال یا آسیب نفس را بشناسند. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «الدِّینُ یَعِصِمُ» «دین حافظ و نگهبان انسان از بدی هاست.» یا این که فرمودند: «صیر الدین جنه حیاتک و التقوی عدۀ وفاتک»^۲

«دین را سپر زندگی و تقوا را توشه ی آخرت بگردان.»

راه کارهای دین برای جوشش احساس مسئولیت، باروری توان اندیشه و خردورزی در مسایل حیاتی و مورد نیاز امداد در حل صحیح و موفق آسیب های زندگی و هدایت به سوی کمال همواره کارساز است.

۱. ساجدی، دین گرایی چرا؟ دین گریزی چه سان؟، صص ۱۳۹، ۱۴۰.

۲. تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۸۴.

ایمان الهی به کمال اخلاقی، آزادسازی آدمی از بند اسارت نفس و زنجیر مادی گرایی و هواپرستی می انجامد.

به توصیه ی مولی الاوصیاء حضرت علی (علیه السلام):

«علیکم بلزوم الدین و التقوی و یقین، فهن احسن الحسنات و بهن ینال رفیع الدرجات»^۱

«بر شما باد ملازمت دین و تقوا و یقین زیرا این ها بهترین نیکی ها هستند و انسان از گذر آن ها به درجات معنوی می رسد.» در میان آثار و نقش دین مداری در حیات فردی می توان به اموری چون تقویت استقلال در برابر وابستگی، ابتکار، آینده نگری، توفیق شغلی و تحصیلی، مبارزه با موانع شکست، کسب نشاط و تقویت اراده، رفع اضطراب و کسب سلامت تن و روان، کامیابی در گزینش رفیق و شریک و همسر، معنا بخشی به زندگی، بهره وری نیکو از عمر، شکوفایی توانایی های انسان اشاره کرد.

بند چهارم: دین و زندگی اجتماعی

دین از آن جا که در زندگی انسان نقش اساسی در تأمین سعادت فردی دارد بالتبع در عرصه ی اجتماعی هم نقش مهمی به عهده دارد. اهمیت آن از این رو است که دین به طور مستقیم در قانون، حکومت، سیاست، حقوق و عدالت تأثیر دارد و به تعبیر استاد مطهری دارای یک فلسفه ی اجتماعی است. نقش غیر مستقیم آن در شکل دهی زندگی اجتماعی دارای دو وجه است: وجه اول درونی یعنی بین ارزش ها و هنجارهای داخلی هر اجتماعی ارتباط صحیح برقرار می کند و آن ها را جهت دار می کند؛ و وجه بیرونی آن، این است که بر کلیت حرکت یک جامعه، جهت هدفدار و رسالت ایده آل واقعی می بخشد و جامعه را از یک اجتماع بی هدف و بی سرانجام خارج کرده، به جامعه ای با اهداف عالی الهی و انسان تبدیل می نماید. نمونه

۱. تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۸۴

۲. قربانی، درآمدی بر اندیشه ی دینی، صص ۱۰۸ و ۱۰۷.

هایی از کارکردهای اجتماعی دین عبارتند از: تحقق نظام اجتماعی نمونه و مردم سالاری دینی، مشورت گرایی و بهره وری از آرای دیگران، گسترش عدل و داد، ظلم ستیزی، آزادی معقول اجتماعی، رشد اخوت و پیوند صادقانه ی شهروندی، هم یاری و خدمت رسانی مشفقانه به هم نوعان، کرامت و عزت بخشی به فرد و جامعه. از دیگر ویژگی های دین این است که انسان را مسئولیت دار و مسئولیت شناس می نماید. این که دین پشتوانه و حامی قانون است یعنی از آن جا که هر اجتماعی به قانون نیاز دارد و قوانین وضع شده برای جوامع نیازمند مبانی دینی می باشد، از این رو، دین می تواند پشتوانه ی قانون اجتماعی و جهت دهنده به آن باشد. این ها نمونه هایی از فواید اجتماعی دین بود که به آن اشاره شد. بنابراین دین درباره ی هیچ یک از پدیده های مربوط به زندگی انسان و اجتماع او ساکت نیست بلکه آن را در بخشی از نظام خودش قرار داده است. دانشمندان و دین پژوهان، وجود دین و خداپرستی را برای همه ی انسان ها و جوامع انسانی ضروری دانسته و دین داری را نیاز حیاتی بشر اعلام می دارند. نخستین دلیل ضرورت دین داری انسان ها، همانا نیاز فطری و روحی بشر به دین و خداپرستی است. روانشناسان می گویند انسان ها براساس «حس مذهبی» و یا به تعبیر «وليام جیمز» روانشناس مشهور آمریکایی «احساسات مذهبی» که مجموعه ای از احساسات و عواطف ذاتی انسان ها را در بر می گیرد. نیازمند عشق ورزی و عبادت خدا می باشند. در اهمیت دینداری و خداپرستی همین بس که روانشناسان و روانپزشکان به طور مکرر در مصاحبه با رسانه های گروهی اعلام می کنند: ایمان مذهبی و دعا و راز و نیاز با خدا، یکی از بهترین و موثرترین راه های درمان بیماری روحی و بلکه جسمی است.^۱ دومین دلیل نیاز انسان به دین و ضرورت دین داری، نیاز به قوانین جامع و مترقی است، زیرا قوانین دینی و الهی بویژه قوانین اسلامی چنان که در تعریف دین از سوی علامه طباطبایی ملاحظه کردیم، برنامه ی کامل زندگی مادی و معنوی بوده و به جنبه های زندگی دنیوی و اخروی توأمان توجه نموده است. از این رو، در صورت

۱. ساجدی، دین گرایی چرا؟ دین گریزی چه سان؟ صص ۱۴۴ و ۱۴۳.

۲. ویلیام جیمز، دین و روان، ترجمه مهدی قائمی، ص ۲-۳.

۳. مطهری، فطرت، ج ۳، ص ۴۹۹.

پیروی کامل به اجرا گذاردن همه ی قوانین و دستورهای دینی هم زندگی مادی و دنیوی انسان سامان درستی می یابد و هم زندگی معنوی و نیازهای روحی و فطری بشر تامین می شود. اما قوانین برآمده از عقل بشر و دور ماندن از دین و قوانین دینی، با فرض درستی و علمی بودن، فقط توان سامان بخشی به زندگی مادی و رفاه زندگی دنیوی را دارد و توان برآوردن خواسته ها و نیازهای معنوی و روحی بشر را ندارد. راز پیدایش بحران شدید روحی و اخلاقی در میان بشر متمدن غربی، همین است که با اتکای به عقل صرف و قوانین برآمده از آن می خواهد به خوشبختی و رستگاری برسد، زیرا وی گرچه در زندگی ماشینی و رفاه زندگی پیشرفت کرده، ولی از جهات روحی و اخلاقی دچار انحطاط و بحران شدیدی شده است. سومین علت نیاز به دین و ضرورت دین داری، نیاز به اخلاق و فضایل اخلاقی برای اصلاح روابط فردی و اجتماعی و ایجاد و ادامه ی یک زندگی سالم انسانی است. همه ی این آموزه های اخلاقی بطور کامل و کاربردی در دین یافت می شود و عمدتاً توسط دین داران راستین قابل اجرا است. در صورت نبودن فضایل اخلاقی، زندگی از شکل انسانی خارج و درنده خویی و زورگویی و ستمگری جایگزین آن می شود. این رفتار غیر انسانی که امروز از طرفدارن دموکراسی غربی نسبت به ملل مظلوم و مستضعف دنیا مشاهده می شود، نتیجه عدم پابندی به یک دین اصیل و آسمانی است.

منابع و مآخذ

* قرآن کریم، محمد مهدی فولادوند، ناشر و محل انتشار: تهران، قم، تاریخ ترجمه: قرن ۱۴ هـ ۳۷۳.

* نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالتراث العربی، ج ۴.
۲. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه: حسین خداپرست، چاپ و نشر نوید اسلام، ۱۳۸۷.
۳. تمیمی، آمدی، عبدالواحد، غرر والحکم، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.
۴. انصاری، خواجه عبدالله، کشف الاسرار و عده الابرار، ج ۱، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۱.
۵. بندر ریگی، محمد، معلوف المنجد، انتشارات ایران، ۱۳۷۴ - ۱۳۸۱.
۶. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، تفسیر کاشف، مترجم: دکتر سید محمد باقر حجتی، ج ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. بیضاوی، ناصرالدین، تفسیر بیضاوی، ج ۱، بیروت، موسسه ی الاعلمی، ۱۴۱۰ هـ ق.
۸. جعفری، محمد تقی، فلسفه دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.
۹.، حقوق جهانی بشر، دفتر خدمات حقوقی بین الملل، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۱۰.، جبر و اختیار، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ ۱، سال ۱۳۷۹.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن در قرآن، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش.

۱۲.،، شریعت در آئین معرفت، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۹.
۱۳.،، دین شناسی، تحقیق و تنظیم: محمد رضا مصطفی پور، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۱.
۱۴.،، حق تکلیف در اسلام، قم، اسراء، ۳۸۴.
۱۵. جوادى، محسن، و علیرضا امینی، معارف اسلامی ۲، دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۸۰.
۱۶. جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمه: مهدی قائمی، قم، دارالفکر.
۱۷. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، علی صحت، تهران، انتشارات ناس چاپ ۱، ۱۳۶۴ ش.
۱۸. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، نشر بین الملل، ۱۳۸۲.
۱۹. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید العتقاد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ یازدهم ۱۴۲۷ هـ.ق.
۲۰. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، انتشارات آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ۱۳۸۰.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، ج ۱، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲۲. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.

